



فرمانروایان علوی
در صفحات شمال ایران

سید صادق سجادی





- سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور : سجادی، سید صادق، ۱۳۳۳-
فرمانروایان علوی در صفحات شمال ایران/ سید صادق سجادی.
مشخصات نشر : تهران: انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری سخن، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری : ۲۸۲ ص.
فروست : مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی دکتر محمود افشار؛ شماره ۳۲۶. گنجینه اسناد و تاریخ ایران؛ ۹۹.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۷۷۰۶-۵۵-۰
وضعیت فهرست نویسی : فیبا.
یادداشت : کتابنامه.
یادداشت : نمایه.
موضوع : ایران -- تاریخ -- علویان، ۲۵۰-۳۱۶ ق.
موضوع : Iran -- History -- Alid Dynasties, 864 - 928
موضوع : علویان -- ایران -- تاریخ.
موضوع : Alid Dynasties -- Iran -- History
موضوع : زیدی -- تاریخ.
موضوع : Zand Dynasty -- History
موضوع : گیلان -- تاریخ.
موضوع : Gilan Province (Iran) -- History
موضوع : مازندران -- تاریخ.
موضوع : Mazandaran Province (Iran) -- History
رده بندی کنگره : DSR ۶۳۳
رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۴۶۵
شماره کتابشناسی ملی : ۸۹۳۵۹۹۹

فرمانروایان علوی در صفحات شمال ایران



دکتر سید صادق سجادی



مجموعه انتشارات
ادبی و تاریخی
موقوفات دکتر محمود افشار

[۹۹]

گنجینه اسناد و تاریخ ایران



هیئت گزینش کتاب و جایزه

دکتر سید مصطفی محقق داماد - دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی - دکتر زاله آموزگار - دکتر جلال خالقی مطلق
دکتر حسن انوری - دکتر فتح‌الله مجتبابی - دکتر محمود امیدسالار - کاوه بیات
دکتر محمد افشین وفایی (مدیر انتشارات)

درگذشتگان

ایرج افشار - دکتر سید جعفر شهیدی - دکتر جواد شیخ‌الاسلامی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی



فرمانروایان علوی در صفحات شمال ایران



تألیف	دکتر سید صادق سجادی
گرافیسیت، طراح و مجری جلد	کاوه حسن بیگلر
حروفچین و صفحه‌آرا	زینب نوریور جویباری
لیتوگرافی	صدف
چاپ متن	آزاده
صحافی	فرد
تیراژ	۲۲۰۰ نسخه
چاپ اول	۱۴۰۱
ناشر	انتشارات دکتر محمود افشار

خیابان ولی عصر، بالاتر از پارک وی، خیابان عارف‌نسب، کوی دبیر سیاقی (لادن)، شماره ۶
تلفن: ۲۲۷۱۷۱۱۴ دورنما: ۲۲۷۱۷۱۱۵
با همکاری انتشارات سخن
خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان وحید نظری، پلاک ۴۸
تلفن: ۵-۶۶۹۵۳۸۰۴ دورنما: ۶۶۴۰۵۰۶۲
تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان‌ها
۵-۶۶۹۵۳۸۰۴



شورای تولیت

متولیان مقامی

رئیس مجلس - رئیس دیوان عالی کشور - وزیر فرهنگ (وزیر آموزش و پرورش)
وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی - رئیس دانشگاه تهران (یا معاونان اول هریک از این پنج مقام) (طبق ماده ۲ وقفنامه)

متولیان منصوص و منسوب

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس) - دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی (جانشین: دکتر محمد اسلامی)
دکتر ژاله آموزگار - دکتر احمد میر (بازرس) - ساسان دکتر افشار - آرش افشار (بازرس)

هیئت مدیره (منتخب شورای تولیت)

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس) - دکتر محمد اسلامی (نایب رئیس)
دکتر محمد افشین وفايي (مدیر عامل) - حمیدرضا رضایزدی (خزانه دار)



درگذشتگان

دکتر مهدی آذر - حبیب الله آموزگار - دکتر جمشید آموزگار
ایرج افشار، سرپرست عالی و بازرس (منسوب واقف، از ۱۳۶۳-۱۳۸۹) - مهربانو دکتر افشار - مهندس نادر افشار
بهروز افشار یزدی - سید محمود دعایی - دکتر سید جعفر شهیدی، رئیس هیئت مدیره (از ۱۳۴۳ تا ۱۳۸۳)
دکتر جواد شیخ الاسلامی - اللهیار صالح - دکتر منوچهر مرتضوی - دکتر اصغر مهدوی
دکتر یحیی مهدوی - دکتر علی محمد میر - دکتر محمدعلی هدایتی

یادداشت واقف

اول

طبق ماده ۲۳ وقفنامه اول مورخ یازدهم دی ماه ۱۳۳۷ ه. ش. درآمد باید صرف ترجمه و تألیف و چاپ کتب و رسالات که با هدف این موقوفات موافق باشد و همچنین کمک به مجله آینده در صورت احتیاج و احتمالاً دادن جوایز به نویسندگان به شرح دستور این وقفنامه گردد.

دوم

هدف اساسی این بنیاد ملی طبق ماده ۲۵ وقفنامه تعمیم زبان فارسی و تحکیم وحدت ملی در ایران می باشد. بنابراین کتبی که با بودجه این موقوفات منتشر می شود باید مربوط به لغت و دستور و ادبیات فارسی و جغرافیای تاریخی و تاریخ ایران باشد. کتب کلاسیکی مدارس عمومی نباید با درآمد این موقوفات چاپ شود.

سوم

طبق ماده ۲۶ مقداری از کتب و رسالات چاپ شده با بودجه این موقوفات باید به طور هدیه و به نام این موقوفات به مؤسسات فرهنگی، کتابخانه ها و قرائتخانه های عمومی ایران و خارج و بعضی از دانشمندان ایران و مستشرقین خارجی فرستاده شود.

چهارم

چون نظر بازرگانی در انتشارات این موقوفات نیست و تا حدی تحمل زیان هم جایز است طبق ماده ۲۷ وقفنامه هیچ کتاب و رساله نباید کمتر از قیمت تمام شده و همچنین مبلغی زائد از بهای تمام شده با افزایش صدی ده تا بیست و پنج قیمت گذاری شود... این افزایش ۲۵ درصد به واسطه حداقل حق الزحمه فروشنندگان و هزینه ای است که برای پست و غیره تحمیل می شود. از کتابفروشان تقاضا داریم که در این امر خیر ملی که ابداً جنبه تجارتي ندارد با ما یاری و تشریک مساعی بنمایند.

پنجم

بر اساس موافقت نامه دوم (مورخ ۱۳۵۲/۴/۱۲) که میان واقف و دانشگاه طهران به امضاء رسیده، قسمتهای مهمی از رقبات، مانند جایگاه سازمان لغت نامه دهخدا و محل مؤسسه باستان شناسی به طور رایگان به دانشگاه طهران واگذار شده و رقبات دیگری هم با درآمد آنها طبق ماده دوم برای اجرای مفاد وقفنامه که از جمله عبارت از دادن جوایز ادبی و نشر کتب تاریخی و لغوی راجع به ایران (به استثنای کتب درسی) می باشد در اختیار دانشگاه طهران قرار می گیرد که وصول نموده و به نام این موقوفات اعطا و نشر گردد.

ششم

چون طبق ماده ۳ موافقت نامه نامبرده مقرر شده است که از طرف ریاست دانشگاه یک نفر از متولیان این موقوفات که از طرف واقف به عضویت کمیته انتشارات بنیاد معین شده باشد برای سرپرستی اداره امور جوایز و نشر کتاب انتخاب شود ریاست دانشگاه آقای ایرج افشار را که از متولیان شورای تولید است و از طرف واقف نیز به عضویت کمیته نامبرده معین شده به سمت سرپرست انتخاب و برقرار نمودند.

هفتم

چون نگارنده این سطور به واسطه کبر سن (۸۶ سال شمسی) از این پس نخواهم توانست به سرپرستی این کارها بپردازم، از این پس تمام اختیارات خود را در انتخاب تألیف و ترجمه و خرید کتب و غیره به فرزند ارشد خود ایرج افشار واگذار کردم. در این چند سال اخیر هم که ده جلد از تألیفات خودم از طرف موقوفات به طبع رسیده با کوشش و سرپرستی وی بوده است. کسانی که مایل به همکاری در تألیف یا ترجمه و نشر کتاب هستند می توانند به او مراجعه کنند. تنها شرط کار موافق بودن تألیف و ترجمه با هدف های این بنیاد، یعنی ترقی ملت و کشور و تعمیم زبان فارسی و تکمیل وحدت ملی در ایران که وطن مشترک و زبان رسمی و ملی همه ایرانیان است می باشد.

هشتم

این یادداشت کلی برای چاپ در آغاز هریک از نشریات این بنیاد نوشته شده است.

دکتر محمود افشاریزدی

آذر ماه ۱۳۵۸ شمسی

مستوفع

تکمله سوم

کتبی که با بودجه این موقوفات طبع و توزیع می شود باید کاملاً منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد. اگر همه تألیفات و مجموعه هایی که به قلم واقف منتشر شده و یا می شود صددرصد این مطابقت را ندارد به سبب این است که واقف قصد چاپ آنها را با مال خود داشت، ولی زمانی که دارایی خود را وقف عام مخصوصاً برای انتشارات کتب تاریخی و ادبی نمود چاپ کتب خود را هم که دارای همین جنبه هاست به عهده بنیاد واگذار کرد.

اما این مجوز آن نیست که تألیفات دیگر را هم از هر نوع که باشد و برسد چاپ نماید. کتب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان با بودجه آن چاپ خواهد شد که هدف غایی واقف را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی ایران است در بر داشته، کتبی که بویی از ناحیه گرایی و جدایی طلبی و حکایت از رواج زبان های خارجی به قصد تضعیف زبان دری و دیگر چیزهای تفرقه آمیز و روش ها و سیاست های فتنه انگیز داشته نباید با بودجه این موقوفات طبع و توزیع شود.

نکته دیگر آنکه چون شاید برای چاپ کتب و فرهنگ نامه فارسی که دایره مانند یعنی انسیکلوپدی باشد و تاریخ کامل ایران که اوراق زیاد و هزینه بیشتر دارد، درآمد ماهیانه بنیاد کفاف خرج آنها را ندهد می توان با اندوخته بانکی این موقوفات چاپ نمود، به شرط آن که اجازه واقف در زمان حیات و موافقت شورای تولیت بعد از ممات یا هرکس و دستگاهی که قانوناً قائم مقام آنهاست باشد.

در تکمله دوم یادداشت واقف، منتشره در جلد سوم افغان نامه نگاشتم که کتب و رسالاتی که با بودجه این موقوفات چاپ می شود باید منزّه باشد از تحریکات سیاسی، مخصوصاً آلوده نباشد به اغراض سیاسی خارجی در لفافه پژوهش تاریخی و ادبی ایران شناسی... و در پایان آن تکمله افزودم بیم داشتیم که مبدا چنین رسالاتی سال ها بعد از ما نخواسته و ندانسته، به وسیله این بنیاد چاپ شود. پس لازم بود که در این یادداشت تذکری داده شود... عمده مخاطب این یادآوری ها بنیاد موقوفات خود ماست نه مؤسسات انتشاراتی دیگر که هریک روش خاص خود را دارد و ما دخالتی در کار آنها نداریم.

تا زمانی که نویسنده این سطور متولی هستم و فرزند دانشمند من، ایرج افشار که به رموز نویسندگی کاملاً آگاه می باشد سرپرست انتشارات این بنیاد است، موجبی برای نگرانی نخواهد بود و بعد از ما هم امید است که این روش ادامه یابد؛ ان شاء الله.

تکمله و تبصره

یادداشت واقف چند روز پیش از درگذشت (۲۸ آذر ۱۳۶۲) برای اطلاع نویسندگان.

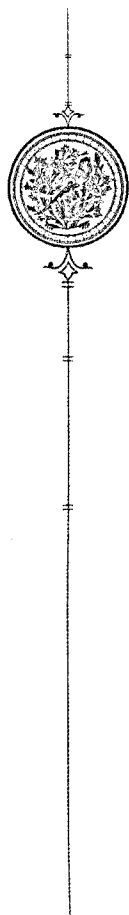
کتاب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان که با سرمایه و درآمد این بنیاد چاپ و توزیع می‌شود باید منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد و مروج زبان دری در قلمرو این زبان و تحکیم وحدت ملی و تمامیت کشور ایران باشد و بویی از ناحیه‌گرایی و جدایی‌طلبی ندهد، و حمایت و ترویج از لهجه‌های محلی و زبان‌های خارجی به قصد تضعیف زبان فارسی دری نکند. خلاصه آنکه این کتاب‌ها و رسالات باید منزّه باشد از روش‌های تفرقه‌آمیز و سیاست‌های فتنه‌انگیز، چه به‌طور مرموز و چه علنی مخصوصاً نباید آلوده باشد به اغراض سیاسی خارجی در لفافه پژوهش تاریخی، نژادی یا ادبی و فرهنگی و ایران‌شناسی.

کتاب تاریخی و ادبی عالمانه خارجی که از عربی و ترکی و فرنگی و روسی به فارسی ترجمه می‌شود اگر دارای هر دو جنبه از سود و زبان باشد باید قسمت سودمند آنها ترجمه شود. قسمت زیان‌بخش اگر ترجمه شود باید به قصد مبارزه و مقابله عالمانه با آن باشد نه جاهلانه، زیرا گفته منطقی ممکن است مؤثر باشد، نه شانتاژ و هوجی‌گری. این بنیاد در انتشارات خود باید در هر حال از دروغ و ناسزا پرهیز کند. به گفته نظامی گنجوی:

چون‌توان راستی را درج کردن دروغی را نباید خرج کردن

برای چاپ و انتشار کتاب و رسالات نه تنها هزینه و حق‌الزحمه نمی‌خواهیم، بلکه به سبب اهمیت فوق‌العاده سودمند بودن کتاب، جایزه نیز می‌پردازیم. این بنیاد در چاپ و انتشار کتاب‌های خود به‌طور مسلم ضرر مادی دارد، زیرا کمتر از ارزش تمام شدن از کاغذ و چاپ و غیره از راه فروش درآمد دارد. شاید بعضی تصور کنند که کار ما شبیه به معامله مرحوم ملانصرالدین باشد که تخم مرغ می‌خرید دانه‌ای دو شاهی، می‌بخت و رنگ می‌کرد و می‌فروخت یک شاهی! عقیده ما بر این است که اگر در این سود، ضرر مادی و مالی می‌کنیم سود معنوی که منظور ماست می‌بریم، و آن اینکه عقیده خود را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران است رواج می‌دهیم. این زبان را به حساب مصارف وقف در راه ایده‌آل و هدف ملی خود محسوب می‌داریم.

برای اطلاعات و توضیحات بیشتر لطفاً به تکمله منتشرشده در ابتدای کتاب‌های این بنیاد که اضافات و تفاوت‌هایی با هم دارد توجه فرمایید.



فهرست مطالب

نگاهی به منابع تحقیق.....	۱۵
حضور علویان در ایران تا تأسیس نخستین حکومت زیدیه.....	۳۱
نخستین دوره فرمانروایی.....	۴۱
الف. زیدیان در طبرستان و گرگان.....	۴۱
۱. حسن بن زید ملقب به داعی کبیر یا الداعی الی الحق.....	۴۱
سیاست و ملکداری حسن زید.....	۶۷
۲. محمد بن زید بن محمد بن اسماعیل.....	۷۲
سیاست و ملکداری محمد بن زید.....	۸۴
۳. ابومحمد حسن بن علی بن حسن بن علی بن عمر الاشرف بن علی زین العابدین.....	۸۷
خصایل ابومحمد الناصر.....	۱۰۰
۴. جانشینان ابومحمد الناصر.....	۱۰۷
ب. علویان دیلمستان و شرق گیلان.....	۱۳۳
۱. ابوالفضل جعفر، الثائر بالله.....	۱۳۳
۲. ابوالحسن مهدی و ابوالقاسم حسین.....	۱۳۷
۳. ابومحمد حسن، نواده ابومحمد الناصر.....	۱۳۷
۴. ابومحمد حسن معروف به امیرکا.....	۱۳۸

۵. ابو عبدالله محمد ملقب به المهدي لدين الله ۱۳۸
۶. ابو محمد حسن، نواده ابو محمد الناصر (دومین دوره حکومت) ۱۴۴
۷. ابو الحسن علی پسر ابو القاسم حسین الثائر ۱۴۵
۸. المؤید بالله ۱۴۶
۹. ابوطالب یحیی، ملقب به الناطق بالحق، یا الناطق بالحق و الظافر بتأیید الله ۱۵۰
۱۰. ابو عبدالله حسین الناصر ۱۵۱
۱۱. سید هادی الحقیقی ۱۵۲
۱۲. سید ابو الرضی کیسی ۱۵۳
۱۳. سید ابوطالب یحیی ملقب به المؤید بالله [دوم] ۱۵۴
- دوره دوم: زیدیان در مازندران و گیلان ۱۵۹
- الف. مرعشیان ۱۵۹
- عصر اول حکومت: ۷۶۰-۷۹۴ق ۱۵۹
- عصر دوم حکومت: ۸۰۹-۱۰۰۵ق ۱۶۹
- ب. کارکیایان ۱۹۰
- ضمایم ۲۲۹
- از نسخه خطی جامعه مراسلات اولوالالباب یا مجمع الانشاء ۲۳۱
- از نسخه خطی جامعه مراسلات اولوالالباب یا مجمع الانشاء ۲۳۳
- از نسخه خطی سفینه حاجی محمد بیک خسروانی ۲۳۶
- از نسخه خطی مجموعه رسائل عربی ۲۳۸
- از نسخه خطی مجموعه یا جنگ، مضبوط در کتابخانه مجلس شورای اسلامی ۲۴۱
- نمایه ۲۴۷
- منابع ۲۷۷

نگاهی به منابع تحقیق

منابع تحقیق درباره حکومت‌های علوی در ایران، با آنکه بیش از هفت قرن بر بیشتر صفحات شمالی و گاه بر قسمتی از ایران مرکزی فرمان می‌راندند، گسترده و متنوع نیست. دلایل من برای تبیین زمینه‌های کمبود یا فقدان اطلاعات مبسوط، مبتنی بر این حقایق است و البته نمی‌تواند منحصر بر اینها باشد:

- دستگاه خلافت تا چند قرن بر صفحات شمال ایران تقریباً دستی نداشت و کوشش‌های حاکمان عرب خراسان و سپس امرای طاهری صفاری و کارگزاران خلفا در آن نواحی برای استیلا بر شمال ایران، فقط در قسمت‌هایی از گرگان و شرق مازندران، تا اندازه‌ای و در بعضی دوره‌های کوتاه، قرین توفیق بود.

- این کمبود یا فقدان اطلاعات دقیق به طور عام به علویان اختصاص ندارد. منابع ما درباره دیگر خاندان‌های حاکم بر شمال ایران، از شمال قزوین، که از قرن اول هجری «ثغر» یعنی مرز میان کفر و اسلام به شمار می‌رفت، تا حدود گرگان و مرزهای خراسان، نیز اندک و ناقص و پراکنده‌اند.

- خاندان‌های حاکم بر شمال ایران که سابقه بعضی از آنها مانند باوندیان و پادوسپانان و جستانیان به پیش از اسلام بازمی‌گردد، تا روزگاری دراز در عصر اسلامی به استقلال حکم می‌راندند و با کارگزاران خلفا پیکارها داشتند. این ستیزه‌ها پس از ورود علویان زیدی به شمال ایران، که خود به دلایل خاندانی و مذهبی و سیاسی دشمن عباسیان به شمار می‌رفتند و با سرسختی و دلیری تمام در برابر مأموران و امرای دست‌نشانده خلفا می‌جنگیدند، وارد مرحله‌ای تازه شد.

- از این رو اخبار مربوط به امور داخلی قلمروهای حاکمان شمال ایران، از جمله علویان، کمتر به بیرون از آن صفحات می‌رسید؛ گرچه بی‌تردید توسط خود آنان ثبت می‌شد یا سینه به سینه نقل می‌گردید تا مورخان محلی بعدها آن روایات را گردآوری کنند. به علاوه، چه بسیار گزارش‌های موجود در تواریخ عمومی که بر اساس روایت‌های آن سوی ماجرا یعنی معارضان آن خاندان‌ها نگاشته شده است که مدت‌های دراز لابد یگانه منابع مورخان بیرون از سرزمین‌های شمالی ایران بوده است.

- غالب مورخان و نویسندگان تواریخ عمومی و دودمانی و کتب ادب و فرهنگ‌نامه‌های تاریخی و کتاب‌های مربوط به مذاهب و فرق تا اوایل قرن چهارم هجری به حوادث سیاسی و فرهنگی سرزمین‌هایی توجه داشتند که در قلمرو واقعی خلافت بودند یا زیر فرمان امرا و حاکمان مورد تأیید بغداد قرار داشتند. از این رو اندکی از گزارش‌های تاریخی و فرهنگی منابع آن دوره مربوط به تحولات و حوادث شمال ایران است. حتی تعداد گزارش‌های مورخی بزرگ چون محمد بن جریر طبری که درباره هریک از وقایع قلمرو اصلی خلافت چندین روایت همگون یا ناهمگون نقل کرده است، درباره ظهور زیدیه و جنگ‌های حسن زید در نیمه دوم قرن سوم

هجری در سرزمینی که طبری خود به آن منسوب است، از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی‌کند. یکی از مهم‌ترین دلایل این امر بی‌تردید فقدان راویان و روایت‌های مستقیم و غیرمستقیم درباره آن صفحات بوده است. از اوایل قرن چهارم که دستگاه خلفا به کلی مقهور امیرالامرایان و حاکمان نورسیده قدرت طلب شد و دولت‌های مستقل و نیمه‌مستقل در ایران ظهور کرد، و فرمانروایان محلی شمال ایران در دوره میانی فرمانروایی خود به اسلام گرویدند و پای امرای ماوراءالنهر و خراسان و شمال غربی دریای کاسپی و آذربایجان به آن سرزمین‌ها باز شد، مورخان و نویسندگان ناچار دایره نگاه خود را گسترش دادند و متوجه حوادث و تحولات آن صفحات نیز شدند. به هر حال، نخستین منابع ما درباره موضوع مورد بحث به قرن چهارم هجری تعلق دارد. همان‌طور که اشاره شد، کهن‌ترین گزارش‌ها درباره زیدیان، نخستین فرمانروایان علوی ایران، نوشته خود زیدیان است. یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین آنها کتاب المصابیح نوشته ابوالعباس احمد بن ابراهیم حسنی است مشتمل بر تاریخ زندگی و قیام یحیی بن عبدالله به روزگار هارون الرشید، سپس تاریخ زندگی و سوانح ایام الناصر للحق ابو محمد حسن بن علی، سومین امام زیدی ایران. حسنی استاد بعضی از امامان زیدی دیلمستان و شرق گیلان، چون ابو عبدالله المهدی و ابوطالب الناطق بالحق بود. گزیده‌ای از این کتاب زیر عنوان «من کتاب المصابیح» در دست است که ویلفرد مادلونگ آن را در مجموعه اخبار ائمة الزیدیه فی طبرستان و دیلمان و جیلان منتشر کرده است.

آن‌گاه باید از کتاب الافادة فی تاریخ ائمة السادة، نوشته ابوطالب الناطق بالحق، نهمین امام زیدیه دیلمستان و شرق گیلان (درگذشته سال ۴۲۲ یا

۴۲۴ق) یاد کرد. او مردی دانشمند و از شاگردان قاضی عبدالجبار معتزلی بود و گفته‌اند نخست امامی مذهب بود و سپس زیدی شد. الناطق در کتاب یادشده، به آن سبب که خود از امامان زیدی و از همان خاندان بود، اطلاعاتی گرانها دربارهٔ نخستین قیام‌های زیدیه، مخصوصاً قیام یحیی بن عبدالله گرد آورده است. او در این کتاب احوال و کوشش‌های الناصر للحق ابومحمد حسن و آن‌گاه سوانح ایام و احوال المهدی لدین الله محمد بن حسین، پنجمین امام زیدی در دیلمستان و شرق گیلان را آورده است. گزیده‌ای خُرد از این کتاب زیر عنوان «سیر ائمة المختارة من کتاب الافادة فی تاریخ ائمة السادة» در دست است که ویلفرد مادلونگ آن را در کتاب *اخبار ائمة الزیدیه... منتشر کرده است.*

ابوسعید محسن بن محمد معروف به حاکم جِشْمی (درگذشته سال ۴۹۴ق)، دانشمند متکلم و فقیه و محدث زیدی و صاحب آثار مهم که نسبش گویا به امام علی می‌رسیده است، کتابی داشته به نام *جلاء الابصار* که گویا مجموعهٔ ۶۰ مجلس خطابه‌های او در زمینه‌های مختلف از جمله دربارهٔ زیدیه در مسجد جِشْم بی‌هق بوده است. متن اصلی اکنون در دست نیست، ولی گزیده‌ای که یکی از زیدیان یمن به نام احمد بن سعدالدین المسوری ترتیب داده بوده موجود است. این گزیده مشتمل بر مجالس ۱۹ و ۴۵ و ۵۰ است که در آنها دربارهٔ رابطهٔ الناصر للحق ابومحمد حسن (ناصر کبیر) و محمد بن زید، قیام ابوطالب الناطق بالحق و برادرش ابوالحسین المؤید بالله و سپس امامت ابومحمد حسن و برادرش ابوعبدالله محمد، چهارمین و پنجمین امام زیدی دیلمستان و شرق گیلان، سخن رانده است. این گزیده را نیز مادلونگ در همان مجموعه منتشر کرده است.

از قرن هفتم هجری هم چند گزیده و رساله دربارهٔ زیدیهٔ ایران در دست است: عبدالله بن حمزة المنصور بالله (درگذشته ۱۴۶ق)، از مخالفان و سرکوبگران اسماعیلیه، رساله‌ای داشته است زیر عنوان *الرسالة العالمية بالادلة الحاکمة* که در آن دلایلی برای توجیه قتل و سرکوب اسماعیلیه بنا بر فتاوی امامان زیدیهٔ ایران آورده است. گرچه این کتاب تاریخ سیاسی زیدیه نیست، اما اطلاعاتی مهم دربارهٔ نگاه آنها به مذاهب دیگر اسلامی و وضع فرهنگی آنها به دست می‌دهد. گزیده‌ای از این کتاب در همان مجموعهٔ مادلونگ چاپ شده است.

حمید بن احمد المَحَلّی (درگذشته ۵۲۶ق) کتابی زیر عنوان *الحدائق الوردیة فی مناقب ائمة الزیدية* داشته است که بنا بر تحقیق مادلونگ ادامه کتاب *المصابیح حسنی* و کتاب *الافادة ابوطالب الناطق* بوده است. او در این کتاب دربارهٔ زیدیان ایران تا قرن هفتم، و تمایل آنان به زیدیان یمن سخن رانده است. کتاب منابع متعدد، از نامه‌ها و رساله‌های امامان زیدی ایران داشته است که امروز در دست نیست. گزیده‌ای از این کتاب باقی است که مادلونگ آن را در همان مجموعه منتشر کرده است.

یوسف بن محمد الحجوری کتابی بزرگ، گویا در چهار جلد، دربارهٔ بعضی از سلسله‌های حاکم بر قلمرو اسلام، مانند آل بویه و سامانیان و اغلییان و موحدان و بعضی دیگر داشته است که بخشی از آن به حکومت زیدیهٔ ایران اختصاص داشته است. این بخش بیشتر مبتنی بر کتاب *المصابیح حسنی* است، ولی از بعضی از منابعی که اکنون در دست نیست هم استفاده کرده بوده و همین مواضع بر اهمیت کتاب می‌افزوده است. گزیده‌ای خُرد از جلد چهارم این کتاب که دربارهٔ زیدیه است در مجموعهٔ مادلونگ منتشر شده است.

ابن ابی القاسم گیلانی، از زیدیان لاهیجان در قرن هفتم، نامه‌ای به یکی از دانشمندان زیدی یمن به نام عمر بن حسن عذری همدانی نوشته است که در آن اطلاعاتی دربارهٔ برخی از امامان زیدی و احوال زیدیان شمال ایران آورده است. این رساله هم در مجموعهٔ سابق الذکر منتشر شده است. کتاب‌های مربوط به انساب یا انساب الطالبیان هم، که مستقیماً به حوادث سیاسی و نظامی نمی‌پردازد، گاه مشتمل بر اطلاعات مهم است. اما بیشترین اهمیت این منابع مربوط است به اطلاعاتی که دربارهٔ پیوندهای نسبی و گاه سببی علویان شمال ایران در بر دارند و من در این تحقیق از بعضی از آنها برای ترسیم دقیق‌تر آن پیوندها استفاده کرده‌ام. یکی از آن منابع، کتاب *سلسلة العلویة* نوشتهٔ ابونصر سهل بن عبدالله بخاری، از دانشمندان قرن چهارم هجری، است. آن‌گاه کتاب *المجدي فی انساب الطالبیین* نوشتهٔ علی بن محمد بن صوفی علوی عمری (درگذشته حدود ۴۶۰ق) است که همچون پدرش، ابن مهلبیه، در علم انساب دستی قوی داشت. این کتاب را برای یکی از سادات مصر و نقیب علویان در عصر فاطمیان به نام مجدالدوله احمد نوشت و از این رو نام *المجدي* بر آن نهاد. در همین قرن، کتاب *التاجی* نوشتهٔ ابواسحاق ابراهیم بن هلال صابی (درگذشته ۳۸۴ق) که قسمتی از آن باقی است، اشارات قابل توجهی دربارهٔ نسب بعضی از زیدیان دارد. باید متذکر شد که علی بن احمد بن حزم (درگذشته ۴۵۶ق) در کتاب *جمهرة انساب العرب* که اختصاص به انساب علویان ندارد، دربارهٔ حسن و محمد بن زید، نخستین امامان زیدی ایران، سخن رانده است، ولی با نگاهی ستیزه‌جویانه پیش رفته است. از دیگر منابع مهم و معتبر در این فن کتاب *الشجرة المباركة فی انساب الطالبیه* است که آن را به مفسر و

متکلم نامدار، فخرالدین رازی (درگذشته ۶۰۶ق)، منسوب کرده‌اند. در همین دوره کتاب *الفخری فی انساب الطالبیین* نوشته اسماعیل بن حسین مروزی از روقانی هم از منابع مفید دربارهٔ علویان شمال ایران است. کتاب معروف و معتبر *النجوم الزاهرة* نوشته جمال‌الدین یوسف بن تغری بردی (قرن نهم هجری قمری)، گرچه تاریخ عمومی دودمانی دربارهٔ فرمانروایان مصر است، اما به سبب اطلاع از انساب علویان که تیره‌ای از آنها بنا به دعوی خود زیر عنوان فاطمیان بر مصر فرمان می‌راندند، اطلاعاتی دربارهٔ نسب حسن و محمد بن زید آورده است.

منابع تاریخی صرف دربارهٔ حکومت‌های علوی ایران را باید به سه دسته اصلی تواریخ محلی، تواریخ دودمانی، و تواریخ عمومی، و نیز تک‌نگاری‌هایی دربارهٔ برخی حوادث یا احوال علویان تقسیم کرد که ارتباطی غیرمستقیم با ظهور و تأسیس حکومت علویان در ایران دارند. هریک از مصادیق این دسته‌ها در دوره‌های زمانی خود، با توجه به حکومت طولانی علویان، از اهمیت و اعتبار برخوردارند.

در فهرست تک‌نگاری‌ها نخست باید به کتاب *اخبار فنج* نوشته احمد بن سهل رازی در قرن چهارم هجری اشاره کرد که خود از زیدیان بود و کتاب *اخبار فنج* او دربارهٔ پناه بردن یحیی بن عبدالله بن حسن به طبرستان و استقبال جستان از او، از قدیمی‌ترین منابع زیدی است. سپس باید به کتاب *عمدة الطالب* نوشته جمال‌الدین احمد بن علی معروف به ابن عنبه اصغر (درگذشته ۸۲۸ق) اشاره کرد که به اقرب احتمال زیدی‌مذهب بوده است و این اثر او دربارهٔ احوال و سوانح ایام بعضی از امامان زیدی در عراق و شمال ایران منبعی معتبر است و این اعتبار را از کتاب‌ها و رساله‌های

متعددی گرفته است که در زمره منابع او بوده و غالباً اکنون در دست نیست. کتاب مشهور *مقاتل الطالبیین* نوشته ابوالفرج اصفهانی هم از تکنگاری‌های مهم درباره طالبیان و البته علویان، مخصوصاً حوادث منتهی به قتل آنهاست. درباره نسب طالبیان هم این کتاب اطلاعات درجه اول در بردارد.

در فهرست تواریخ محلی و دودمانی، *تاریخ جرجان حمزة بن یوسف السهمی الجرجانی* (درگذشته ۴۲۷ق)، کتابی مهم درباره رجال نامدار آن سرزمین است و درباره زیدیان هم چند نکته قابل توجه دارد. یکی از برجسته‌ترین تواریخ محلی که مشتمل بر اطلاعات دست اول درباره خاندان‌های حاکم بر شمال ایران است *تاریخ طبرستان* به قلم مورخ دانشمند قرن هفتم هجری قمری، محمد بن حسن بن اسفندیار، است که متأسفانه آنچه موجود است همه این کتاب گرانها نیست. کسی یا کسانی چیزهایی درباره برخی سلسله‌ها چون زیاریان و بوئیان به آن کتاب افزوده‌اند که اطلاعاتی هم درباره علویان شمال ایران دارد. فصلی ممتع از این کتاب به تاریخ زیدیان ایران از ماجرای ورود حسن زید به آمل و تأسیس حکومت تا امامت پسران ناصر کبیر، زیر عنوان «ایالت سادات آل محمد» اختصاص دارد و البته در میان آن ماجراها به روابط و پیکارهای سامانیان و صفاریان و باوندیان با زیدیان و نیز ظهور زیاریان و بوئیان هم پرداخته است.

سپس باید از ملا اولیاءالله آملی در قرن هشتم هجری قمری یاد کرد که کتاب *تاریخ رویان* او گرچه عمدتاً اقتباس از *تاریخ طبرستان* ابن اسفندیار است، ولی به کلی هم خالی از فوایدی نیست. از تواریخ محلی که بعضی اطلاعات قابل توجه درباره زیدان از آن بیرون می‌آید، *تاریخ سیستان* است که به تفاریق از قرن پنجم تا هشتم نوشته شده است؛ و آنچه به زیدیان

شمال ایران ربط دارد ماجرای هجوم یعقوب لیث به طبرستان و پیکار با زیدیان است که از روایات دست‌اول در این زمینه محسوب می‌شود. کتاب *التدوین فی اخبار قزوین* نوشته عبدالکریم بن محمد رافعی قزوینی، از تواریخ محلی است درباره بزرگان و رجال قزوین که مشتمل بر اطلاعاتی همچون استیلای حسن زید بر قزوین است.

دو کتاب ظهیرالدین مرعشی (درگذشته ۱۹۲ق) به نام‌های *تاریخ طبرستان و رویان و مازندران*، و *تاریخ گیلان و دیلمستان* هم از منابع معتبر درباره بعضی از ادوار حکومت‌های متأخر علویان شمال ایران یعنی مرعشیان در مازندران و کارکیاییان در گیلان به شمار می‌رود. نویسنده، که خود از علویان مرعشی مازندران بوده و سپس به کارکیاییان گیلان پیوسته و در بسیاری از جنگ‌ها و مأموریت‌ها انباز بوده است، اطلاعاتی مهم درباره این دو خاندان آورده است. با این همه، چنان‌که خود تصریح کرده است، کتاب *تاریخ طبرستان* او شامل دو کتاب ملا اولیاءالله (*تاریخ رویان*) و کتاب علی بن جمال‌الدین رویانی است که این کتاب اخیر اکنون در دست نیست. کتاب *تاریخ گیلان و دیلمستان* مرعشی مشتمل بر اطلاعات درجه‌اول درباره حاکمان محلی این سرزمین، مخصوصاً کارکیاییان و رقابت‌های پردامنه تیره‌های این خاندان است.

شیخ علی گیلانی (قرن یازدهم هجری)، معاصر شاه عباس صفوی هم کتابی مهم در تاریخ مازندران دارد که بیشتر به شرح کوشش‌های صفویان برای استیلا بر طبرستان و مازندران و گیلان و نزاع‌های میان چلاویان و مرغینان و کارکیاییان اختصاص یافته است. *تاریخ گیلان* ملا عبدالفتاح فومنی گیلانی (قرون ده و یازده هجری) هم مشتمل است بر وقایع شرق

گیلان و نزاع و رقابت میان اسحاق و نندان و کارکیاییان، و نیز احوال و سوانح ایام خان احمد خان گیلانی و کوشش‌های صفویه برای استیلا بر صفحات شمال ایران.

کتاب مجموعه نامه‌های قاسم بن ابراهیم علوی، از امامان زیدی در یمن، که نسخه‌ای دستنویس از آن باقی است، از آن جهت که به تمایل زیدیان ایران به پیروی از امامان یمن پرداخته و پرسش‌های آنها را درباره توحید و صفات خدا پاسخ داده است، مهم است و این در وقتی است که قدرت و استیلای مذهبی و سیاسی زیدیان ایران روی به افول نهاد و فرزندان همان امامان زیدی به مذهب امامیه گرویدند.

در فهرست تواریخ عمومی که گزارش‌های ممتع و مفید و نسبتاً مبسوط درباره حکومت‌های علوی ایران آورده‌اند، نخست باید به *تاریخ الرسل و الملوک* معروف به *تاریخ طبری* نوشته محمد بن جریر طبری، مورخ و مفسر نامدار (درگذشته ۳۱۰ق) اشاره کرد. گزارش‌های او غالباً مبتنی بر روایات راویان و ناظران عراق است که به حاکمان مخالف خلافت عباسی به دیده انکار می‌نگریستند و البته زیدیان از مهم‌ترین آنها بودند. قسمتی از گزارش‌های طبری مربوط است به روابط خصمانه میان فرمانروایان نورسیده زیدی در شمال ایران با سامانیان و صفاریان و سپهسالاران خراسان. گزارش‌های طبری تا قتل محمد بن زید را در بر دارد.

پس از طبری، باید به کتاب *مروج الذهب* علی بن حسین مسعودی (درگذشته ۳۴۶ق) اشاره کرد که درباره نخستین زیدیان ایران برخی اطلاعات به دست داده است؛ و آن‌گاه کتاب *نامدار تجارب الامم* ابوعلی مسکویه (درگذشته ۴۲۱ق) که از منابع درجه اول درباره حوادث و تحولات

قرن چهارم هجری به شمار می‌رود و مشتمل بر اطلاعات مهم دربارهٔ ظهور امامان زیدی ایران و تأسیس حکومت آنها و روابطشان با طاهریان و سامانیان و باوندیان و دیگر حاکمان محلی طبرستان است. ابوالفضل بیهقی (درگذشته ۴۷۰ق) دربارهٔ حضور یحیی بن عبدالله زیدی در ایران و کوشش‌های فضل برمکی به منظور امان گرفتن از هارون برای او و آوردنش به بغداد، روایتی دقیق دارد که برای ترسیم پیشینهٔ علویان زیدی در ایران بس مفید است. عبدالرحمان بن جوزی (درگذشته ۵۹۷ق) هم در *المنتظم* روایاتی اندک دربارهٔ آغاز کار حسن زید آورده است که بی‌فایده نیست.

بیشترین اطلاعات مندرج در یک تاریخ عمومی، متعلق است به کتاب مشهور و معتبر *الکامل فی التاریخ* از عزالدین بن الاثیر (درگذشته ۶۳۰ق) که بی‌نیاز از وصف است. دقت و تعمد ابن الاثیر در انتخاب روایات، و تعدد منابع او، اعتبار بسیار به گزارش‌های او بخشیده است. فرهنگنامهٔ تاریخی *وفیات الاعیان* نوشتهٔ پرآوازهٔ شمس‌الدین احمد بن خلکان (درگذشته ۶۸۱ق) گرچه اطلاعاتی اندک دربارهٔ روابط جنگی زیدیان و صفاریان ارائه کرده است، ولی به سبب اعتبار گزارش‌های ابن خلکان، نمی‌توان به آن بی‌اعتنا بود. ابوالفدا اسماعیل بن کثیر (درگذشته ۷۷۴ق)، مورخ شامی، نیز گاه اطلاعات قابل توجهی در *البدایة والنهایة* آورده است؛ اما نسبت به تواریخ مهم یادشده، در درجهٔ دوم اهمیت واقع است. دربارهٔ فعالیت و حکومت زیدیان در قرون هفتم و هشتم هجری، گزارش‌های حمدالله مستوفی قزوینی (درگذشته ۷۵۰ق) که در همسایگی زیدیان دیلمستان می‌زیسته است، مهم است. مخصوصاً که به سبب اشتغال به شغل استیفا، و دوستی و نزدیکی با خواجه رشیدالدین لابد به منابع و مدارک دستگاه ایلخانان دربارهٔ کوشش‌های زیدیان دسترسی داشته است.

گروه تواریخ دودمانی از تیموریان به این سوی، خود مرحله‌ای نو در تاریخ علویان ایران به شمار می‌رود. این خاندان و پیروانشان، چنان‌که اشاره شد، از میانه‌های قرن هفتم به تدریج از مذهب زیدی بیرون رفته و غالباً امامی مذهب شده بودند؛ و اندکی که هنوز زیدی بودند به سبب فقدان امام زیدی در ایران، در زمره پیروان امامان زیدی یمن درآمدند. در چنین احوالی سادات کارکیایی امامی مذهب گیلان و سادات مرعشی مازندران حکومت‌هایی تأسیس کردند که در تحولات سیاسی و اجتماعی و مذهبی آن صفحات، به روزگار خطیر تیموریان و ترکمانان و صفویان نقش اساسی بازی کردند. تواریخ دودمانی یا تکنگاری‌های مربوط به سلاطین این دوره، از مهم‌ترین منابع ما درباره این دو سلسله علوی در ایران است.

کتاب تاریخ خانی، از علی بن شمس‌الدین لاهیجی (قرن دهم هجری)، که به فرمان خان احمد خان گیلانی (درگذشته ۹۴۳ق) نوشته شده است، مشتمل است بر تاریخ علویان کارکیایی گیلان از سال ۸۰۸ تا ۹۲۰ ق. اهمیت این کتاب مخصوصاً از آن روست که غیر از معدود کتاب‌های تاریخ دودمانی صفویه و تواریخ عمومی متأخر، منبعی که مستقلاً به آخرین کارکیاییان پرداخته باشد در دست نیست.

نظام‌الدین شامی (شنب‌غازانی؛ درگذشته ۸۰۷ق) در کتاب *ظفرنامه*، که کهن‌ترین شرح فتوحات امیر تیمور است، چون در برخی فعالیت‌های نظامی امیر ملازم او بوده است، درباره یورش‌های تیمور به مرعشیان اطلاعات دست‌اول و روشن آورده است. برخی از مورخان بعدی دوره تیموری از گزارش‌های این کتاب استفاده کرده‌اند. شهاب‌الدین عبدالله معروف به حافظ ابرو (درگذشته ۸۳۳ق) نیز از ملازمان امیر تیمور و شاهرخ بوده است و گزارش‌های وی درباره روابط شاهرخ تیموری و علویان

مرعشی در *زبدة التواریخ* و برخی از دیگر آثارش بسیار مهم است. شرف‌الدین علی یزدی (درگذشته ۸۵۸ق) صاحب کتاب *ظفرنامه* نیز از ملازمان تیمور و شاهرخ و ابراهیم پسر شاهرخ بود و این کتاب را به خواهش هم‌او درباره فتوحات امیر تیمور نوشت. با آنکه از گزارش‌های مندرج در *ظفرنامه* شامی بسی استفاده کرده است، اما برخی اطلاعات هم بر آن افزوده است. کتاب *مطلع السعدین و مجمع البحرین*، نوشته کمال‌الدین عبدالرزاق سمرقندی (درگذشته ۸۸۷ق) نیز مشتمل بر گزارش‌های قابل توجه درباره روابط تیموریان با مرعشیان و کارکیاییان، و نیز اطلاعاتی درباره رابطه خصمانه چلاویان و مرعشیان است.

کتاب مهم و معتبر *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات*، نوشته معین‌الدین محمد زمجی اسفزاری (قرون نهم و دهم هجری قمری)، گرچه ظاهراً ربطی به صفحات شمال ایران ندارد، اما چون سلطان حسین بایقرا که تختگاهش هرات بود، یک وقت در دوران ضعف مرعشیان بر مازندران مستولی شده بود و ابوسعید تیموری هم طمع در آنجا بسته بود، اطلاعات درجه‌اول در این زمینه‌ها در این کتاب می‌توان یافت.

در عصر آق قیونلوها کتاب *دیار بکریه* نوشته ابوبکر طهرانی در قرن نهم هجری قمری مشتمل بر برخی اطلاعات درباره روابط آخرین امرای تیموری و جهان‌شاه و حسن بیک ترکمان با علویان کارکیایی است.

چون به صفویه می‌رسیم، گزارش‌های فضل‌الله خنجی اصفهانی (درگذشته ۹۲۷ق) درباره روابط آنها با علویان شمال ایران، در کتاب *عالم‌آرای امینی* مهم و پرفایده است. آن قسمت از روایات مورخ نامدار قرن دهم هجری، غیاث‌الدین خواندمیر (درگذشته ۹۴۱ق) در تاریخ عمومی *حبیب‌السیر*، درباره نزاع‌های طاهریان با حسن زید در گرگان، البته

تازه نیست؛ اما گزارش‌های او دربارهٔ امیر تیمور و علویان مرعشی و کارکیایی قابل توجه است. آنچه خورشاه بن قباد حسینی (درگذشته ۹۷۲ق) دربارهٔ ضعف علویان و تجزیهٔ قلمرو آنها در اواخر ایامشان آورده است مهم و معتبر است. دربارهٔ بروز اختلاف و دشمنی میان شاه تهماسب صفوی و خان احمد خان گیلانی کارکیایی، نوشتهٔ خود شاه صفوی در تذکرهٔ شاه طهماسب، منبعی مهم و قابل توجه است. آن‌گاه باید از حسن بیک روملو (درگذشته ۹۸۵ق) یاد کرد که در کتاب معتبر و مشهور *احسن التواریخ* دربارهٔ روابط پرفرازونشیب آخرین تیموریان با علویان شمال، و نیز رقابت و نزاع میان علویان و برخی خاندان‌های محلی رقیب، گزارش‌های مهم آورده است.

اهمیت گزارش‌های اسکندر بیک ترکمان، مورخ نامدار عصر صفوی، در *عالم‌آرای عباسی*، بیشتر به آن سبب است که دولت علویان به روزگار او به سرعت بیشتر روی به سقوط نهاد و کوشش‌های شاهان صفوی برای استیلای مطلق بر صفحات شمال به تحقق نزدیک‌تر شد. قاضی احمد قمی (درگذشته پس از ۱۰۱۵ق) که پس از اسکندر بیک کتاب *خلاصه التواریخ* را نوشت، بیشتر به اطلاعاتی دربارهٔ پناهندگی اسماعیل صفوی نزد کارکیاییان و روابط جانشینان حسن بیک آق قویونلو با این علویان علاقه نشان داده است و گزارش‌هایی جالب توجه آورده است.

ملا جلال‌الدین منجم (درگذشته ۱۰۲۹ق) از ملازمان و نزدیکان شاه عباس اول صفوی، که پیش از پیوستن به صفویان، منجم خان احمد خان کارکیایی بود و در دربار صفویان هم به فرمانروای علوی گیلان ارادت داشت، اطلاعات بسیار مهم دربارهٔ او در کتاب *تاریخ عباسی* یا *روزنامه ملاجلال* آورده است.

میرزا بیک حسن جُنابذی در کتاب *روضة الصفویة* (تألیف در ۱۰۳۳ق) به روابط شاه اسماعیل اول با مرعشیان و بازیگری او میان مدعیان حکومت بر قلمرو علویان، و نیز علویان در عصر شاه تهماسب پرداخته است. در همین دوره کتاب *تقاوة الآثار* از محمود افوشته‌ای نطنزی به سبب اشتغال بر گزارش‌هایی دربارهٔ اواخر ایام خان احمد خان مهم و معتبر است. کتاب *خلد برین نوشته محمد یوسف واله اصفهانی* (درگذشته ۱۲۲۹ق)، مخصوصاً دربارهٔ روابط صفویان و علویان مرعشی متأخر، برخی اطلاعات مهم به دست می‌دهد.

جز اینها کتاب‌های *تاریخ جهان‌آرا* از قاضی احمد غفاری، *اکبرنامه* از ابوالفضل علامی در هندوستان، کتاب *عالم‌آرای صفوی*، *مجالس المؤمنین* قاضی نورالله شوشتری، *تاریخ سلطانی* نوشته حسن بن مرتضی حسینی استرآبادی، و برخی کتاب‌های دیگر کم‌وبیش دربارهٔ علویان و روابط آنها با تیموریان و ترکمانان و صفویان، اطلاعاتی اندک اما نسبتاً مفید ارائه کرده‌اند.

منابعی دیگر هم دربارهٔ برخی وجوه حکومت‌های علوی ایران وجود دارد که دسته‌ای از آنها در زمرهٔ منابع تاریخی، بعضی در شمار کتب طبقات، تذکره‌های ادبی، کتاب‌شناسی و جز آنها واقع‌اند که دربارهٔ علویان اطلاعاتی، هرچند گاه اندک، در بر دارند؛ و برخی از آنها با وجود قلت اطلاعات، خالی از اهمیت نیستند. از آن میان باید به *الجواهر المضية فی طبقات الحنفیه* از عبدالقادر بن ابی‌الوفا، *الفهرست ابن‌الدیم؛ مجمل‌التواریخ و القصص*، *هفت اقلیم* امین احمد رازی، *عرفات العاشقین* تقی‌الدین اوحدی بلیانی، *تاریخ الخلفاء* عبدالرحمان سیوطی، *البدر الطالع* محمد بن علی شوکانی، و *جمهرة انساب العرب* از ابن حزم اشاره کرد. تحقیقات دقیق و

قابل توجه جدید در این زمینه تقریباً وجود ندارد؛ با این همه، حواشی عباس اقبال بر تاریخ طبرستان ابن اسفندیار، یا آنچه در تاریخ ایران آورده است، و نیز کتاب سید علی مؤید ثابتی به نام اسناد و نامه‌های تاریخی، کتاب ذبیح‌الله ثابتیان زیر عنوان اسناد و نامه‌های تاریخی و اجتماعی دوره صفویه، و البته مجموعه اسناد و نامه‌هایی که عبدالحسین نوایی از دوران صفویه گردآوری کرده است، منابعی مهم و بسیار مفیدند.